

هدیه‌ای برای خوانندگان رشد آموزش ابتدایی

کتاب در ۸ شماره

نوآوری در یادگیری با تکالیف درسی خلاق

راهنمایی برای آموزگاران، پدران و مادران

براساس نوشته‌ای از نانسی پائولو
ترجمه‌ی زری آقاجانی
مطالعه‌ی تطبیقی و آماده‌سازی: رشد آموزش ابتدایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایگاه مجله‌های علمی

۱۴. با پیش‌زمینه دادن، دانش‌آموزان را آماده کنید (مهیا کردن بازخوردهای ساخت‌وسازگرایانه)

وقتی پیش‌زمینه‌های لازم برای انجام تکالیف را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهیم و نیز وقتی می‌کوشیم برای کارهایی که انجام می‌دهند، بازخوردهای ساخت‌وسازگرایانه‌ی مفیدی مهیا کنیم، به‌طور قطع، آن‌ها تمایل زیادی به انجام تکالیف و پیشرفت در یادگیری خواهند داشت. بازخورد ساخت‌وسازگرا، به پس‌خوراندهای مفیدی اطلاق می‌شود که بدون ایرادگیری مستقیم از کار دانش‌آموزان، مسیر انجام تکالیف را به‌طور غیرمستقیم به آن‌ها نشان دهیم و شرایطی فراهم کنیم تا آن‌ها خودشان مسیر خود را بیابند. این، نوعی مهیا کردن شناخت شناخت است. دانش‌آموزان احتیاج دارند که بدانند در

کدام قسمت بهتر هستند و چرا، و نیز در کدام بخش به تمرین بیشتری نیاز دارند و چرا. با این شیوه، دانش‌آموز در موقعیتی قرار می‌گیرد که خود به اهمیت تکلیف در یادگیری پی می‌برد. معلمان می‌توانند به شیوه‌های گوناگون، تکالیفی را که طراحی کرده‌اند، ارزیابی و مرور کنند. مثلاً بسیاری از معلمان به تکالیف دانش‌آموزان خود نمره می‌دهند و برخی دیگر با جملاتی وصفی که در پایان تکالیف می‌نویسند، دانش‌آموز خود را ارزش‌یابی می‌کنند. درست است که نمره دادن به تکالیف، دانش‌آموزان را به فعالیت بیشتر و یادگیری بهتر تحریک می‌کند، اما در برخی شرایط ممکن است اثربخشی خود را از دست بدهد. برای مثال، دادن نمره برای دانش‌آموزی که از او خواسته‌ایم قطعه شعری را به‌عنوان تکلیف بنویسد، اصلاً مناسب نیست و شاید

بهترین روش برای ارزش‌یابی این تکلیف، توصیف فعالیت و ذوق ادبی دانش‌آموز در پایان تکلیف باشد. به‌طور قطع، این ارزش‌یابی توصیفی، از بالاترین نمره‌ای که می‌توان به او اختصاص داد، ارزشمندتر است.

ارائه‌ی بازخورد در مورد انجام تکلیف، می‌تواند کمک مؤثری در بهبود یادگیری دانش‌آموزان باشد. وقتی معلمان در مورد این‌که دانش‌آموز چگونه می‌تواند تکلیف خود را بهبود بخشد، بازخورد می‌دهند و درباره‌ی اصلاح فرایند انجام تکلیف، با دانش‌آموز به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند، دانش‌آموز و حتی بقیه‌ی هم‌کلاسی‌های او، خواهند توانست از این رهنمودها برای بهبود یادگیری چاره‌اندیشی کنند.

مثلاً یک معلم ریاضی ممکن است با بررسی یک مسئله‌ی ریاضی و مشاهده‌ی پاسخ غلط، بر دانش‌آموز خرده بگیرد، ولی معلمی که دنبال ارائه‌ی بازخوردهای ساخت‌وسازگراست، با حوصله و مرور مراحل انجام مسئله، به جایی که اشتباه رخ داده است، اشاره می‌کند و این باعث بهبود یادگیری دانش‌آموز می‌شود. این قبیل بازخورد دادن‌ها، باعث می‌شود دانش‌آموزان جوانب گوناگون کارشان را بسنجند، مهارت‌های همکاری اجتماعی را بیاموزند و یاد بگیرند در ارزیابی کار خود و دیگران، فرایندها را در نظر بگیرند، نه نتیجه‌های به‌دست آمده را.

*** کریستی مک نالی،** معلم کلاس هفتم در کانزاس می‌گوید: «من وقتی تکلیفی برای دانش‌آموزانم طرح می‌کنم، آن‌ها می‌دانند که به تکلیف آن‌ها نمره نخواهم داد و هیچ توصیفی در پایانش نخواهم نوشت؛ ولی می‌دانند که حتماً تکلیف‌ها را نگاه خواهیم کرد و اگر آن‌ها در انجام تکلیف دچار لغزشی شده باشند، حتماً مسیر انجام تکلیف را اصلاح خواهیم کرد. من با نگاهم، تکالیف آن‌ها را رتبه‌بندی می‌کنم. بنابراین، آن‌ها می‌دانند که تکالیفشان را باید انجام بدهند. در واقع شاید بتوان گفت، به مرور نوعی انگیزش درونی در آن‌ها ایجاد می‌شود.»

*** اولین چیزی** که دانش‌آموزان با قدم گذاشتن به کلاس **خانم دان،** انجام می‌دهند، گذاشتن تکالیف خود روی چهارپایه‌ی جلوی کلاس است. زمانی که دانش‌آموزان کلاس هشتم مشغول دوره‌ی تمرینات ریاضی خود هستند، خانم دان، هر تمرین را بررسی می‌کند. او می‌گوید: «من نمره نمی‌دهم، اما دقت می‌کنم که ببینم آن‌ها مفهوم تمرین را فهمیده‌اند یا نه. اگر به‌طور مثال در تمرین‌های اکثر دانش‌آموزان کلاس، سه غلط عمده به چشم بخورد، می‌کوشم کلاس و آموزش را مطابق آن مفاهیم یاد گرفته نشده برنامه‌ریزی کنم.»

*** خانم کبری علیزاده،** آموزگار پایه‌ی پنجم ابتدایی در شهرستان بابلسر می‌گوید: «من معلومات، مهارت‌ها و تلاش شاگردان در انجام تکالیف درس «می‌نویسم» را ارزیابی می‌کنم. اگرچه ارزش‌یابی من به نوعی توصیفی است، ولی از هر جمله، نمره‌ای در ذهنم وجود دارد. با این شیوه، تفاوتی چشم‌گیر در انجام تکالیف به‌وجود آمده است.»

او ادامه می‌دهد: «البته من تنها در صورتی که تکلیف آن‌ها بی‌عیب



و نقص باشد، برایشان جمله‌ای می‌نویسم و حداکثر تعدادی هم که برای یک نفر نظر می‌دهم، چهاربار است. وقتی چهارمین نظر را به آن‌ها می‌دهم، آن‌ها در واقع به نوعی پاداش دست می‌یابند. این یک جور پاداش محرمانه برای یادگیری است.»

او می‌گوید: «وقتی در پایان تکلیف دانش‌آموزی، چیزی نمی‌نویسم، او به تعمق وادار می‌شود و حتی ممکن است دلیل این کار را از خود من سؤال کند. این نوعی هدایت غیرمستقیم است.»

*** آقای بیر،** در ابتدای هر کلاس، به مدت پنج دقیقه مثل فرفره دور اتاق می‌چرخد و روی تکالیف بچه‌ها خیره می‌شود. او به دنبال آن است که ببیند چه کسی روی مفاهیم اولیه تسلط پیدا کرده است. به برخی و نه به همه‌ی تکالیف، نمره می‌دهد و مشاهداتش را در دفتر کلاسی‌اش ثبت می‌کند. بالاخره هم دو هفته یک‌بار، با یک کارنامه‌ی رایانه‌ای، دانش‌آموزان و والدین آن‌ها را از چگونگی انجام تکالیف باخبر می‌کند. کارنامه‌ی او ترکیبی از نمرات و توصیف‌های کیفی است که هم در مورد تکلیف و هم درباره‌ی پیشرفت تحصیلی بچه‌ها، اطلاعاتی به اولیا می‌دهد.

او می‌گوید: «اگر دانش‌آموزی مشکلی داشته باشد، یادداشتی می‌نویسم و می‌گویم چه‌طور می‌توانم کمکت کنم؟ به علاوه، به منزلشان تلفن می‌کنم. در این شهر کوچک، پس از ۳۸ سال تدریس، من به پدرها و مادرها، بچه‌هایشان، عموها و عمه‌ها تدریس کرده‌ام. وقتی من فرمان می‌دهم، همه می‌دانند که این، یعنی خیلی مهم است.»

۱۵. جایزه بدهید و انگیزه ایجاد کنید

بزرگ‌سال و بچه، فرقی نمی‌کند. همه معمولاً جواب یکسانی به پاداش می‌دهند: «به‌عنوان اولین گزارش، بسیار خوب بود»، «خیلی

خوب داستان را خلاصه کرده بودید»، «شما کار بزرگی انجام دادید»، این جملات می‌توانند دانش‌آموزان را برای انجام تکالیف آینده‌ی خود تحریک کنند. جوایز چه کیفی باشند و چه کمی، باید واقعی باشند. دانش‌آموزان جوایز غیرواقعی و تعارفات غیرصمیمی را به سرعت تشخیص می‌دهند.

✱ **خانم اورلیک**، که در راهبرد هفتم با کارهای او آشنا شدیم، بین دانش‌آموزان نوعی رقابت مثبت ایجاد کرده است. او به کسانی که تکالیف خودشان را به خوبی و در حد اعلا انجام داده‌اند، اجازه می‌دهد شعرها، مقالات و یادداشت‌های کوتاه‌شان را در نشریه‌ای که توسط این دبیر زبان انگلیسی و در سطح مدرسه منتشر می‌شود، به چاپ برسانند. رقابت، دانش‌آموزان را وادار به کار می‌کند. علاوه بر این، چون جایزه، چاپ یک اثر نوشتاری است، این دبیر به بخشی از هدف‌های درس خود هم نائل می‌شود. البته تلاش بچه‌ها بیشتر برای آن است که نوشته‌هایشان خواننده‌ای غیر از معلم خودشان داشته باشد.

✱ **خانم صدیقه عظیمی**، آموزگاری از شهرستان مرنده، از یک روش شناخته شده برای تشویق دانش‌آموزانش استفاده می‌کند. او می‌گوید: «روش من با اندک تغییری، در خیلی از مدرسه‌ها در حال اجراست، ولی من قدری روش‌های جاری را عوض کرده‌ام.»

او جورچینی درست کرده است که به شکل یک دسته گل است و از ۲۰ قطعه‌ی جدا از هم تشکیل می‌شود. او قطعه‌هایی از این جورچین را در پایان تکلیف، به دانش‌آموزانی که تکالیفشان را کامل و در حد مطلوب انجام داده‌اند، می‌چسباند. دانش‌آموزان که به مرور زمان هر ۲۰ قطعه‌ی جورچین را به دست می‌آورند، می‌توانند تصویر آن را روی ورق‌های بکشند و به آموزگارشان تحویل دهند. خانم عظیمی می‌گوید: «هر کدام از قطعات این پازل، شماره‌ای دارند و هر شماره‌ای نزد من از ارزش خاصی برخوردار است. علاوه بر این، به‌طور کامل در دفترم، شماره‌ی قطعه‌هایی را که به هر دانش‌آموز داده‌ام، یادداشت می‌کنم. بنابراین، من هم همراه با دانش‌آموز، می‌فهمم که دسته گل او کامل شده است و جالب این‌جاست که برخلاف بسیاری از مدرسه‌ها، من بچه‌ها را طوری آماده کرده‌ام که به دست آمدن همان دسته گل، در واقع جایزه‌ی اصلی بچه‌هاست و دیگر مثل برخی مدرسه‌ها، آن را تحویل نمی‌دهند تا جایزه‌ی دیگری بگیرند.»

✱ **خانم آلن**، دبیر هنر دبیرستان، صرفاً به دانش‌آموزانی که در یک دوره‌ی زمانی تکالیف کامل‌تری را انجام دهند، اجازه می‌دهد بهترین نمونه کارهای خودشان را در نمایشگاه دائمی مدرسه به نمایش بگذارند. او می‌گوید: «این خیلی مهم است که کار شما را در نمایشگاه دائمی مدرسه به نمایش بگذارند. او می‌گوید: «این خیلی مهم است که کار شما در نمایشگاه دائمی مدرسه به نمایش درآید؛ چرا که این آثار برای همیشه در آن جا خواهند ماند. در این سه‌سالی که از تأسیس دبیرستان می‌گذرد، ۴۵ نمونه کار به نمایشگاه راه یافته است.»

البته خانم آلن، انگیزه‌ی بچه‌ها را برای این کار دو چندان کرده است. گروهی از پدران و مادران هزینه‌ی قاب کردن نمونه کارها را عهده‌دار



شده‌اند و نشریه‌ی محلی، تربیتی اتخاذ کرده است تا با دانش‌آموزی که کارش برای نمایشگاه مدرسه انتخاب می‌شود، مصاحبه شود و آن را در نشریه منتشر کند. علاوه بر این، به مرور که کارها زیادتر می‌شود، فکر فروش آن‌ها در قالب مزایده‌ی خیرخواهانه‌ی هنری نیز در ذهن خانم آلن نقش بسته است.

۱۶. به دانش‌آموزان تنها همان قدر کمک کنید که به آن نیاز دارند

دانش‌آموزانی که در انجام تکالیف درسی مشکل دارند و یا برخی از بخش‌های آن را متوجه نمی‌شوند، باید بدانند که امکان دریافت کمک از جانب معلم یا سایر افرادی که در مدرسه از سوی مدیریت مشخص شده‌اند، مهیاست. در این مسیر، کمک به دانش‌آموزانی که در مسیر افت تحصیلی افتاده‌اند و یا شاگردانی که بنا به دلایلی، مشکلات شخصی دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این دانش‌آموزان ممکن است هم از نظر علمی و هم از نظر استدلال منطقی، در انجام تکالیف، به کمک نیاز داشته باشند. آن‌ها باید بدانند که کمک خواستن، حقی است پذیرفته شده و نه تنها هیچ اشکالی ندارد، بلکه لازم است آن‌ها این کار را انجام دهند و تقاضای کمک کنند.

معلمان از زاویه‌ی دید زمانی، به طرق گوناگون می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند. برخی از آن‌ها، قبل از ساعت رسمی مدرسه به دانش‌آموزان کار می‌کنند، بعضی پس از ساعات پایانی مدرسه، برخی

در وقت فراغت بین روزی خود و گروهی دیگر هنگام ناهار. البته گروهی هم شماره‌ی تلفن منزلشان را به دانش‌آموزان می‌دهند تا در صورت نیاز تماس بگیرند.

*** آقای ویلیامز** که پیش از این با تجربه‌های او در زمینه‌ی تنوع تکلیف آشنا شدیم، به دانش‌آموزانش گفته است، در صورتی که در انجام تکلیف مشکل دارند، از ساعت ۸/۳۰ عصر به بعد با او تماس بگیرند. او آن قدر با دانش‌آموزان تماس گیرنده راحت برخورد می‌کند که برخی از آن‌ها که خجالت می‌کشیدند معلمشان از مشکل آن‌ها خبردار شود، خودشان را با نام مستعار به آقای ویلیامز معرفی می‌کردند. اغلب اوقات، وقتی این دبیر ریاضی درباره‌ی چگونگی حل شدن مسئله‌ها با دانش‌آموزان خود صحبت می‌کرد، می‌فهمید اکثر آن‌ها با وجود آن که راه‌حل‌ها را بلدند، مفهوم مسئله را درنیافته‌اند. او معتقد است، با در دسترس بودنش در طی ساعات بعدازظهر (عصرها)، در زمان کلاس روز بعد صرفه‌جویی کرده است.

*** خانم فاست** می‌گوید: «برخی از بچه‌ها، خانواده‌هایی دارند که به آن‌ها برای انجام تکلیف خود در منزل وقتی اختصاص نمی‌دهند و این بچه‌ها، باید به کارهای روزمره و نگه‌داری از خواهر و برادرهای کوچک‌تر خود بپردازند.» او از این دانش‌آموزان خواست زودتر به مدرسه بیایند و یا بعد از وقت ناهار و با نظارت او، تکلیف روز بعد را در کلاس درس انجام دهند. او ادامه می‌دهد: «آن‌ها گاهی اوقات تکالیفشان را انجام می‌دهند و گاهی انجام نمی‌دهند. ولی من می‌دانم، آن‌چه را که این بچه‌ها یاد می‌گیرند، فقط در کلاس درس رخ می‌دهد و من در مقام یک معلم نمی‌توانم آن را تغییر بدهم. بنابراین، سعی خودم را می‌کنم تا صرفاً از زود به مدرسه آوردن و فرصت ناهار آن‌ها، بیشترین استفاده را برای بهبود شرایط یادگیری دانش‌آموزانم بکنم.

*** آقای عبداللہی**، دبیر ریاضی دوره‌ی راهنمایی منطقه‌ی یک تهران، برای چهار کلاس خود، دو وبلاگ راه‌اندازی کرده است. دانش‌آموزان او می‌توانند هر وقت که در انجام تکلیف یا در ایام امتحان به مشکلی برمی‌خورند، با مراجعه به وبلاگ، برای معلمشان پیامی بگذارند. او نیز در اسرع وقت (تقریباً هر شب دوبار) به وبلاگ سر می‌زند و به پرسش‌های بچه‌ها پاسخ می‌دهد. این دبیر ریاضی، کارکرد این وبلاگ را، به‌ویژه در ایام امتحانات، معرکه می‌داند.

علاوه بر معلمان، دانش‌آموزان می‌توانند از افراد دیگر و نیز مؤسسات خاصی که به همین منظور ایجاد شده‌اند، کمک بگیرند:

*** در آمریکا** انجمن ملی ویژه‌ی دانش‌آموزان، در برخی مدرسه‌ها، تعدادی معلم را به‌عنوان ناظر یا معلم کمکی، برای دانش‌آموزانی که به امداد نیاز دارند، مأمور کرده است.

*** در ایران**، سازمان آموزش و پرورش شهر تهران، سال‌هاست طرح صدای معلم را راه‌اندازی کرده است. در ستاد مرکزی این طرح، همواره

ده معلم زبده، به‌صورت تلفنی پاسخ‌گوی دانش‌آموزان در زمینه‌ی مشکلات درسی و چگونگی انجام تکلیف هستند. این طرح، هم‌اکنون با شش شماره تلفن، با دانش‌آموزان در ارتباط است.

*** در آمریکا**، واحدهایی تأسیس شده‌اند که «فوریت‌های کمک‌رسانی به تکالیف» نام دارند. در این واحدها، معلمانی فعالیت دارند که به پرسش‌های خانواده‌ها پاسخ می‌دهند و در صورت لزوم، در خانه‌ها حضور به هم می‌رسانند.

*** در ایران**، شهرداری تهران با همکاری آموزش و پرورش، در بسیاری از مناطق، «خانه‌ی مشق» راه‌اندازی کرده است. در این مراکز، دانش‌آموزانی که خانه‌ی آن‌ها از فضاهای کافی برای انجام تکلیف برخوردار نیست، زیر نظر معلمانی که از آموزش و پرورش معرفی می‌شوند، تکلیف خود را انجام می‌دهند. هم‌چنین، از بازی‌ها و تغذیه‌ی مناسب نیز برخوردار می‌شوند. در آمریکا نیز این قبیل مراکز با عنوان «مرکز مطالعه» سال‌هاست که تأسیس شده است.

*** برخی از معلمان و مدرسه‌ها**، برنامه‌هایی تنظیم می‌کنند تا دانش‌آموزان شریک مطالعه داشته باشند. در این برنامه، دانش‌آموزانی که سطح علمی برابری دارند، با یکدیگر همراه می‌شوند. البته در برخی موارد هم، دانش‌آموزانی از سطوح گوناگون با همدیگر در یک گروه قرار می‌گیرند. در این حالت، دانش‌آموزان پیشرفته‌تر، در مقام ناظر و یا معلم کمکی فعالیت می‌کنند.

*** برخی از معلمان**، از دانش‌آموزان می‌خواهند از «دوست کمکی» برای انجام تکلیف دشوار خود بهره بگیرند. مثلاً **خانم مینا الوری**، آموزگار دبستانی در فیروزکوه، از دانش‌آموزانش خواسته است شماره‌ی تلفن منزل حداقل پنج نفر از هم‌کلاسی‌های خود را به ترتیب درجه‌ی رفاقت و حسابی که می‌توانند روی کمک او داشته باشند، در فهرستی نزد خود نگه دارند تا درباره‌ی مشکلات درسی خود با آنان حرف بزنند.

*** علاوه بر «خانه‌ی مشق» و «مرکز مطالعه»**، برخی مدرسه‌ها نیز برای دانش‌آموزان مشکل‌دار خود برنامه‌هایی ترتیب می‌دهند. این مدرسه‌ها دانش‌آموزانی را که از لحاظ مالی و نیز ویژگی‌های تربیتی والدین، شایسته‌ی رسیدگی بیشتر هستند جدا می‌کنند و بعد از وقت مدرسه، با حضور معلمان مورد تأیید و جمع‌آوری کتاب‌ها، اسباب‌بازی‌ها، رایانه‌ها و ابزارهای آموزشی مورد نیاز در یک‌جا، محیطی فراهم می‌آورند که دانش‌آموزان به راحتی تکلیف خود را انجام دهند و اطلاعات آموزشی مفید را دریافت کنند. از لحاظ دادن تغذیه‌ای مختصر و اختصاص زمان بازی، این واحدهای فوق برنامه، بسیار شبیه خانه‌ی مشتق و مرکز مطالعه عمل می‌کنند.

زیرنویس

1. Christy Mc Nally
2. Ms. Dunn